

سیاست کیفری ایران در قبال کودک آزاری

محمد رضا خانی^۱

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

دوران کودکی به عنوان یکی از مهم ترین مراحل زندگی انسان در تکوین شخصیت او نقش بسزایی ایفاء می نماید. از این رو صیانت از کودکان در برابر آزارها و صدماتی که می تواند بر کودکان آثار سوء و زیانبار برجای نهد مورد اهتمام کلیه نظام های حقوقی قرار گرفته است که این امر می تواند در دو بخش مسئولیت کیفری و مدنی متبلور گردد. ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی به حقوق کودکان بزه دیده در راستای اعمال سیاست های حمایتی برای آنان، مطابق با معیارهای بین المللی از یک سو و آسیب پذیری آنان در برابر رفتارهای خشن و گسترش جرایم از سوی دیگر قانون گذاران ملی را بر آن داشته است که درصدد اصلاح قوانین موجود برای کودکان بزه دیده بر اساس واقعیت های اجتماعی، برآیند و قوانین ویژه ای را که در بردارنده حقوق کیفری ماهوی و شکلی باشد، تدوین کنند. این مقاله سیاست کیفری ایران در قبال کودک آزاری را مورد بررسی قرار می دهد.

واژگان کلیدی: حجاب، کودک، کودک آزاری، سیاست کیفری، تأدیب، فقه و حقوق

^۱ نویسنده مسئول. Mr.khani4642@gmail.com

سوءرفتار با کودکان عبارت از انجام هر عملی، در مورد کودک و یا غفلت از کودک توسط یک فرد می‌باشد، که منجر به صدمه قابل ملاحظه جسمی و یا روانی می‌گردد و یا باعث شود آسیب جدی کودک را تهدید کند. سوءرفتار می‌تواند در هر سنی از قبل تولد تا نوجوانی و یا هر جنس، نژاد، یا ملیت را در بر گیرد. سالانه حدود چهار میلیون سوء رفتار با کودکان گزارش می‌شود. مرکز ملی سوءرفتار با کودکان سن متوسط قربانیان را در حدود هفت سال بر آورد می‌کند که ۵۳ درصد آنها را دختران و ۴۷ درصد را پسران تشکیل می‌دهند. ۷۹ درصد قربانیان بوسیله والدین، ۱۰ درصد توسط بستگان، ۵ درصد توسط افراد غریبه و ۲ درصد بوسیله ناپدیری و نامادری مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند.^۲

سوء رفتار با کودکان شامل آزار جسمی، آزار جنسی، آزار هیجانی، آزار تجاری، مسامحه و غفلت در مورد کودک می‌باشد. سوء رفتار همان اندازه که در بیان ساده به نظر می‌رسد، می‌تواند در توضیح و بررسی پیچیده باشد. سوءرفتار از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. صرفنظر از موارد شدید و خشن که مصداق سوءرفتار با کودکان می‌باشند، بسیاری از رفتارهایی که به منظور تربیت فرزندان انجام می‌شود جزئی از روش‌های فرزند پروری محسوب می‌شوند، نیز می‌توانند نوعی سوء رفتار نسبت به کودکان باشند. هر ساله هزینه‌های زیادی در زمینه کودک آزاری به دولت‌ها و ملت‌ها تحمیل می‌شود که این هزینه‌ها می‌تواند ناشی از مراقبت از کودکان کم وزن، مرگ و میر کودکان، صدمات حمایتی، مسائل کیفری نوجوانان و بزرگسالان، ترک تحصیل، درمان بیماری‌های جسمی و معلولیت‌های ناشی از بیماری‌های مقاربتی و ایدز باشند.^۳

عوارض فردی شامل عوارض کوتاه مدت و گذرا مثل شکستگی، جراحت، خونریزی، ضربه به سر و حتی مرگ ناشی از این صدمات می‌باشد. به علاوه، این کودکان اختلالات دیرپای جسمی و بخصوص روانی مانند از دست دادن حس اعتماد به نفس، احساس بی‌ارزشی، اختلالات رفتاری، اضطراب، وقوع بالای خودکشی، سوء مصرف مواد مخدر را در سال‌های آینده نشان خواهند داد. عوارض بر جای مانده از صدمات بر سیستم عصبی حرکتی، نقص عضوهای ناشی از سوختگی، دردهای مزمن، سر درد از عوارض کودک آزاری می‌باشد. طبق آمارهای بدست آمده بررسی‌های گسترده در مورد شیوع این پدیده در دسترس نمی‌باشد. تنها انجمن حمایت از کودکان در سال ۱۳۸۴ ارجاع بیش از ۱۰۰ کودک آزاری را که برخی منجر به مرگ شده اند گزارش نموده اند. مطالعات متفاوت در جمعیت‌های دیگر این رقم را تا حدود ۲۰ تا ۴۵ درصد بر حسب انواع مختلف گزارش کرده اند.^۴ در قانون اساسی کشورهای توسعه یافته توجه لازم به حقوق کودکان مبذول شده است. دهها نهاد و سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی برای حمایت از آنها تأسیس شده که بارزترین آنها یونیسف در سازمان ملل متحد می‌باشد. اما در کشور ما در سال ۱۳۸۱ سوء رفتار با کودکان به صورت یک جرم عمومی در آمده و قابل طرح از سوی عموم افراد است. (در ماده ۵ و ۶ قانون حمایت از کودکان نوجوانان) اما با توجه به عدم گسترش مناسب سیستم‌های حمایت اجتماعی کودکان و وجود خلاءهای قانونی در مورد مجازات‌های خاص کودک آزاری (به جز موارد خاص) این امر به خوبی تحقق نیافته است. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که نظام قانونی و حقوقی ما باید در این مورد اصلاح شود.

^۲. دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۵۴.

^۳. حسنی، علیرضا، حضانت کودک، دامغان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۶۶.

^۴. همان، ص ۶۷.

گفتار اول: سیاست کیفری تقنینی در قبال پیشگیری از کودک آزاری

همانطور که می‌دانیم اطفال به دلیل شرایط خاص روحی و جسمی شان نیازمند سیاست افتراقی خاص هستند. سیاست کیفری تقنینی عبارت از تدبیر و چاره اندیشی قانون‌گذار در مورد پیشگیری از بزه‌دیدگی است. سیاست کیفری تقنینی سلیقه قانون‌گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرایم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرایم است. تعیین سیاست‌های پیشگیری کنشی یا کیفری از طریق قانون‌گذاری مهم‌ترین گام در جهت نیل به هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی است.^۵

در این مرحله با محوریت قرار دادن کودک اقدام به قانون‌گذاری می‌کند و درج ضمانت اجراهای کیفری و سازوکارهای ویژه می‌تواند در پیشگیری و انصراف فرد از ارتکاب بزه موثر باشد.

بند اول: جنبه ماهوی سیاست کیفری تقنینی در قبال پیشگیری از کودک آزاری

در این حوزه نقش قانون‌گذاری در تدوین قوانین حمایتی از کودکان بزه‌دیده در قلمرو ماهوی و شکلی را بررسی می‌کنیم. کودکان در فرایند عدالت کیفری نیازمند قوانین و تدابیری هستند که از آنها در مقابل بزه دیدگی ثانوی حمایت کند. همین طور در مورد قوانین ماهوی باید تدابیری اندیشیده شود تا از کودکان در مقابل بزه‌دیدگی حمایت شود. در زمینه کودک آزاری در قوانین متعدد و متفرقه‌ای از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار قانون مدنی و قوانین دیگر از کودکان بزه‌دیده حمایت‌های قانونی به عمل آورده شده است. این حمایت‌ها انواع بزه‌دیدگی جسمی، جنسی، روانی و... را شامل می‌شود، اما در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ بزه‌دیدگی روحی و عاطفی که بعد جدیدی از جنبه کودک آزاری است مورد عنایت قانون‌گذاران بوده است.^۶

الف - توجه به عالی‌ترین منافع کودک

توجه به عالی‌ترین منافع کودک حق اوست. تمامی اقدام‌هایی که از طریق موسسات و نهادهای رفاه اجتماعی (چه دولتی و چه غیر دولتی)، مقامات اجرایی و نهادهای قانون‌گذاری اتخاذ می‌گردد، باید براساس توجه به این حق صورت گیرد. جهت تضمین این منافع باید برنامه‌های رفاهی، حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی مشخص شده و زمینه‌های اجرائی قانون نیز فراهم شود. در منافع عالی کودک دو موضوع مورد توجه است که عبارتند از حمایت و رشد هماهنگ که مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱- حمایت

هر کودکی حق زندگی و بقاء دارد و باید در برابر هرگونه آسیب و سوءاستفاده یا بی‌توجهی مورد حمایت قرار گیرد. بنابراین، جهت بهبود وضعیت جسمانی روانی و بازگشت دوباره کودک به جامعه به خصوص وقتی مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی آزار، یا سایر رفتارهای تبییی شدید و غیرانسانی یا درگیری مسلحانه قرار می‌گیرد، باید اقدام‌های مؤثر در محیطی که سلامت، عزت نفس و منزلت کودک تقویت شود، انجام پذیرد. در حقوق ایران حق کودک برای بقاء و زندگی به رسمیت شناخته شده

^۵. آخوندی، حمید، سیاست جنائی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بزه‌دیدگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ۱۳۷۵، ص ۹۱.

^۶. بیگی، جمال، حمایت از بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲، ص ۱۲.

است و حق بقاء و زندگی کودک حتی به دوران جنینی برمی‌گردد و جهت حمایت از حمل، قانون‌گذار سقط جنین را جرم و قابل مجازات دانسته است و این مجازات غالباً به صورت پرداخت دیه است. در برخی موارد بقای جنین آن چنان واجد اهمیت است که تحت شرایطی مرتکب حسب مورد قصاص و حبس نیز محکوم می‌شود و به این ترتیب، این حق با سیاست تشدید کیفر حمایت می‌شود. همچنان‌که، ماده ۷۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر جنایت و یا صدمه، چیزی از زن سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق، منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد، دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن، صدمه‌ای بر مادر وارد گردد، حسب مورد دیه یا ارش تعیین می‌شود». در حالی‌که در خصوص سلب حیات فرزند توسط پدر یا جد پدری قصاص ساقط شده و تنها دیده معین شده است که در عمل نمی‌تواند حمایت مناسبی از حق حیات کودک به شمار آید. چرا که عدم تعادل میان کیفر پدر و جد پدری با دیگران، نوعی سیاست تخفیفی را درباره آنها جاری می‌کند که می‌تواند منجر به بی‌مبادلاتی در خصوص حق حیات کودک از جانب اشخاص فوق باشد.^۷

۲- رشد هماهنگ

توجه به رشد همه‌جانبه کودک از حقوق است که باید مورد توجه قرارگیرد. این جنبه در حقوق ایران مورد توجه و تأکید قرار داده شده است. رشد کودک با چگونگی تربیت او رابطه نزدیکی دارد. از آنجا که رشد کودک در وهله نخست در خانواده صورت می‌گیرد، والدین و سرپرستان قانونی، مسئول فراهم ساختن زمینه‌های لازم جهت رشد کودک هستند و لذا توجه به نهاد خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه مواد قانون مدنی تأکید دارند که نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی).

و ماده ۱۱۷۸ همان قانون مقرر می‌دارد که «ابوبین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را محمل بگذارند استفاده نادرست والدین از حقوق که قانون به آنها داده است می‌تواند مانع رشد کودک شده و افراط موجب سلب حضانت از والدین می‌شود. نبود تعریف قانونی در خصوص متعارف بودن تنبیه سبب ایجاد مانع در رشد همه‌جانبه کودک می‌شود و یا ازدواج دختران زیر سن تعیین شده به رغم اجازه ولی آنان نیز می‌تواند مانعی در جهت رشد کودک محسوب گردد.^۸

ب - توجه به کرامت انسانی

احترام به شأن و منزلت کودکان یکی از حقوق بنیادی اوست. اصل توجه به کرامت انسانی، در مرحله مواجهه و برخورد با کودک در فرآیند کیفری متبلور می‌شود. هر چند که حین وضع قانون کیفری ماهوی مربوط به کودک این اصل باید مورد توجه قرار گیرد. در حقوق ایران اصل کرامت انسانی در خصوص کودکان محترم شمرده شده، مگر در مواردی خاص. مانند کودکان نامشروع که متناسب به والدین نمی‌باشد، همچنانکه ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود» و یا عدم قبول شهادت کودک که به‌ویژه در جرم علیه خود کودک از موارد بسیار مهم است. وقتی جرمی علیه کودک به وقوع می‌پیوندد و غیر او فرد دیگری شاهد آن جرم نیست، عدم قبول شهادت کودک، ممکن است به براءت مرتکب بیانجامد و در نتیجه حقوق کودک نقض گردد.^۹

^۷ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳، ص ۲۶۳.

^۸ بخشی‌پور، عباس، پیشگیری اولیه از کودک‌آزاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹.

^۹ عباچی، مریم، بررسی خلاءهای قانونی در زمینه پیشگیری از بزه‌کاری و بزه دیدگی کودکان در حقوق ایران با توجه به اسناد سازمان ملل متحد، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۹۰، ۱۷۸.

ج - عدم تبعیض

براساس این اصل نباید هیچ گونه تبعیض بین کودکان از لحاظ رنگ، قومیت، جنس و... قائل شد. در قوانین ایران چه در قلمرو و بزه کاری و چه بزه دیدگی تفاوت‌هایی وجود دارد که در حوزه بزه دیدگی بیشتر ناظر به جنسیت می‌باشد. در جرائم مستوجب دیات، در شرایط خاص دیه دختران نصف دیه پسران و در برخی از جرائم علیه کودکان جنسیت موجب تخفیف سیاست‌های کیفری است، مثلاً در زناى زن محصنه با پسر نابالغ حد تازیانه اعمال می‌شود در حالی که زناى مرد محصن با دختر نابالغ موجب حد رجم است. لذا کودکان ذکور کمتر مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته‌اند. حقوق کیفری ماهوی می‌تواند با حمایت کیفری از طرق حمایت کیفری ساده (جرم‌انگاری و کیفر گذاری)، حمایت کیفری تشدید، حمایت کیفری افتراقی (جرم‌انگاری افتراقی) و حمایت کیفری دنباله دار (تبعی) از بزه دیدگی کودکان پیشگیری کند.^{۱۰}

بند دوم: جنبه شکلی سیاست کیفری تقنینی در قبال پیشگیری از بزه دیدگی اطفال

همان‌طور که نگرش به طفل بزه‌کار در سیستم عدالت کیفری به صورت متفاوت از بزرگسالان مطرح می‌باشد، طفل بزه‌دیده نیز به دیدگاه افتراقی در فرآیند کیفری نیازمند است و این امر به لحاظ وضعیت خاص روحی و روانی طفل می‌باشد. بنابراین، ضروری است که قانون‌گذار از طریق مقرر نمودن ساز و کارهایی در مرحله اول، فرآیند اطلاع دستگاه عدالت کیفری را از وقوع جرم بر روی اطفال (کودک‌آزاری) تسهیل کند تا بدین ترتیب، اطفال بزه‌دیده وارد فرآیند کیفری و مرحله دادرسی شوند و در مراحل بعدی با پیش‌بینی قواعدی خاص در سایر مراحل رسیدگی نه تنها از آسیب‌پذیری مجدد اطفال در درون فرآیند کیفری ممانعت شود، بلکه با تسریع رسیدگی‌ها، حمایت‌ها، معاضدت‌های حقوقی افتراقی و ترمیم خسارت‌های مادی و روانی وارده به این بزه‌دیدگان خاص، به شکل دهی و پایه‌ریزی نظام دادرسی (ویژه) اطفال بزه‌دیده اقدام نماید.^{۱۱} در این زمینه می‌توان به دو مورد اشاره نمود:

الف - جنبه عمومی دادن به کودک‌آزاری

از شرایط استماع دعوی مدعی آن است که او بالغ و عاقل باشد. بنابراین کودک به ملاحظه آن که اهلیت قانونی ندارد، دعوايش شنیده نمی‌شود.^{۱۲} ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی است و متضرر از جرم محجور (صغیر، غیر رشید یا مجنون) بوده و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مرتکب عمل، ولی یا قیم نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم، خود مرتکب جرم شده و یا مداخله داشته باشد، دادگاه شخص دیگری را به عنوان قیم موقت تعیین می‌کند و یا خود امر جزایی را تعقیب نموده و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل» ملاحظه می‌شود که براساس ماده فوق، تعقیب امر جزایی کودک در مواردی که تعقیب منوط به شکایت شاکی خصوصی است در عهده ولی و قیم اوست و در مواردی که اعلام شکایت و تعقیب از طرف آنها بنا به دلایل مطرح شده در ماده ۷۲ ممکن نباشد، دادگاه خود امر جزایی را تعقیب و سایر اقدامات ضروری را انجام می‌دهد. اما قانون‌گذار در ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

^{۱۰}. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، پیشین، ص ۱۳.

^{۱۱}. قناد، فاطمه، حمایت کیفری از صغار در برابر جنسی در حقوق انگلیس و ولز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۸۹.

^{۱۲}. سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، چاپ سوم، انتشارات طه، قزوین، ۱۳۹۱، ص ۶۳.

شیوه دیگری را برگزیده است. بر اساس این ماده: «کودک‌آزاری از جرایم عمومی بوده و احتیاج به شاکی خصوصی ندارد» بدین ترتیب، با توجه به ماده‌ی یادشده، کودک‌آزاری جنبه‌ی عمومی دارد و تعقیب جرایم ارتكابی علیه اطفال در مواد ۳ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان براساس مواد ۲ و ۳ و ۴ قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های، عمومی و انقلاب در امور کیفری (ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴) بر عهده دادستان، به نمایندگی از جامعه است. هرچند به نظر می‌رسد که بر اساس اصول و قواعد کلی حقوق کیفری اصل بر عمومی بوده جرایم است و آنچه نیاز به تصریح دارد، قابل گذشت بودن آنهاست، اما به نظر می‌رسد که قانون‌گذار با وضع ماده‌ی یاد شده علاوه بر دنبال کردن هدف فرهنگی و ارزشی که همانا کشاندن کودک‌آزاری از خلوت خانواده‌ها به عرصه جامعه است، درصدد مشکل‌گشایی در مواردی بوده است که خود والدین و سرپرستان قانونی اطفال مرتکب کودک‌آزاری می‌شوند و کودک نیز نمی‌تواند اعلام شکایت کند و یا حتی در موارد کودک‌آزاری اطرافیان نیز آنها مایل به اعلام شکایت نباشند. پس با اعلام نمودن کودک‌آزاری به عنوان جرمی عمومی، وظیفه تعقیب و پیگیری پرونده‌های کودک‌آزاری بر عهده دادستان قرار گرفت.^{۱۳}

ب - جرم‌انگاری در راستای الزام گزارش دهی موارد کودک‌آزاری

در میان انواع متنوع سوءاستفاده از اطفال و بدرفتاری با آنان، موارد گزارش نشده بی شماری وجود دارد که بر هیچ کس هویدا نبوده و در تاریکی مطلق ناشی از ارقام سیاه پنهان شده است. طبیعی است که مکشوف شدن امر کودک‌آزاری بر کارگزاران دستگاه عدالت کیفری امری بسیار دشوار است و مسأله اعتقاد به خصوصی و خانوادگی بودن پدیده کودک‌آزاری و وجود دیدگاه‌های خاص در ارتباط با روابط والدین و فرزندان نیز بر رقم سیاه افزوده و مسأله را تا حدود زیادی بغرنج کرده است. از طرف دیگر، اساساً طبق اصول کلی حاکم بر حقوق جزا از نظر قانونی هیچ کس ملزم به گزارش دهی جرمی که از وقوع آن مطلع با شاهد ارتکاب آن بوده، نمی‌باشد. مگر در شرایط خاص و در برخی جرایم و آن هم در ارتباط با افراد خاص. اما در مورد کودک‌آزاری همان‌طور که بیان شد، چون رقم سیاه بسیار بالا بوده و موارد نامکشوفه زیادی بر دستگاه قضایی وجود دارد، قانون‌گذاران کشورهای مختلف به عنوان یکی از راه‌کارها در راستای کاهش رقم سیاه و افزایش موارد گزارش دهی آن به مقامات قضایی، به ساز و کار جرم‌انگاری برخی رفتارها در این عرصه متوسل شده‌اند. قانون‌گذار ایرانی نیز در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به مسأله یاد شده توجه کرده است. براساس حکم این ماده «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلف‌اند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند، تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود». بدین‌سان، با تصویب ماده‌ی یاد شده گامی مهم در عرصه حقوق کیفری اطفال بزه‌دیده برداشته شد. قانون‌گذار تکلیف مقرر را فقط به افراد و مؤسسه‌های مسئول نگاهداری و سرپرستی اطفال، محدود نموده است. اما بهتر بود مانند بسیاری از کشورها علاوه بر نام بردن از افرادی خاص نظیر پزشکان و معلمان که در تماس مستقیم با اطفال و پدیده کودک‌آزاری هستند، آن را به کل آحاد جامعه تعمیم می‌داد.^{۱۴}

^{۱۳}. قناد، فاطمه، پیشین، ص ۵۲.

^{۱۴}. همان، ص ۵۳.

سیاست کیفری قضائی در قبال پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال

در مورد پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال، عملکرد دادگاه‌ها و تصمیمات آنها نقش بسزایی را ایفاء می‌کند. پیشگیری قضائی از کودک آزاری ناظر به اعمال سیاست‌هایی است که از بزه‌دیدگی مجدد طفل در مرحله کشف تحقیق و تعقیب، رسیدگی و صدور حکم پیشگیری می‌کند.^{۱۵}

در زمینه پیشگیری قضایی در حقوق کیفری ایران به جهت عدم به رسمیت شناختن دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده خلاءهای بسیاری به چشم می‌خورد. البته سیاست کیفری قضائی در این زمینه اقداماتی جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد کودک و نیز در جهت منافع عالی آنان اتخاذ نموده است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز در این زمینه ساکت می‌باشد. لذا قوه قضائیه برای برطرف کردن مشکلات موجود به‌ویژه در زمینه دادرسی درصدد تنظیم قانون قضائی در این خصوص است. در خصوص پیشگیری اجرائی، مقررات، مصوبه‌ها، بخش‌نامه‌ها و تصمیمات قوه مجریه و ارکان مختلف آن از جمله پلیس به منظور اجرای سیاست تقنینی و قضائی و یا در کنار آنها، که اغلب ناظر بر ابزارهای غیرکیفری است، سیاست جنائی اجرائی نامیده می‌شود.^{۱۶}

پیشگیری قضایی به سه مرحله: ۱- کشف، تحقیق و تعقیب ۲- رسیدگی ۳- صدور حکم تقسیم می‌شود. این نوع پیشگیری در واقع ناظر بر اتخاذ سیاست‌هایی در فرایند عدالت کیفری می‌باشد که در ذیل به توضیح می‌پردازیم:

گفتار دوم: کشف، تعقیب و تحقیق

وجود پلیس ویژه و متخصص از اهمیت ویژه برخوردار است. در مرحله تحقیق و تعقیب باید مواظب بود که باعث تشدید آلام روحی و جسمی ناشی از ارتکاب بزه علیه او نباشد. یادآوری دوباره جرم توسط کودک بزه‌دیده می‌تواند به بزه‌دیدگی ثانویه او دامن بزند. لذا بهتر است اظهارات کودک بزه‌دیده را ضبط نموده و تا حد امکان از یادآوری مجدد آن توسط پلیس و مراجع قضایی جلوگیری شود. کلیه نهادهای مربوطه از جمله پزشکی قانونی و نهادهای پیراحقوقی مانند مددکاری، روان‌پزشکی و مراکز خدمات حقوقی که کودک بزه‌دیده ناگزیر از تماس با آنها است باید از امکانات و وسایلی برخوردار باشند که دامنه آسیب را محدود کنند. در این مرحله باید کلیه مصالح عالی کودکان از اهم ملاحظات باشد. طبق بند ۴ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی، آیین‌دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت آنان را بنماید. لذا متفاوت بودن دادرسی کودکان بزه‌دیده از بزرگسالان در راستای رعایت مصالح عالی کودکان است.^{۱۷}

مطابق بند ۱۲ مقررات پکن: «به منظور انجام بهینه خود، ماموران انتظامی که غالباً یا منحصرأ در رابطه با نوجوانان فعالیت دارند تعلیمات و آموزش ویژه خواهند داشت و در شهرهای بزرگ واحدهای ویژه پلیس باید برای این منظور ایجاد گردد». قضات تحقیق آموزش دیده در راستای پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان موثر است.^{۱۸}

^{۱۵} عباجی، مریم، پیشین، ص ۸۱.

^{۱۶} نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباچه درآمدی به سیاست جنایی، تهران، نشر

میزان، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۰.

^{۱۷} دهقانی، علی، حقوق کیفری شکلی کودکان و نوجوانان، ویژه نامه تعالی حقوق، شماره ۷، ۱۳۹۳، ص ۳۰.

^{۱۸} مؤذن زادگان، حسنعلی، دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان، ندای صادق، سال نهم، ۱۳۹۳، ص ۴۲.

قواعد حداقل سازمان ملل متحد برای دادگستری نوجوانان (مقررات پکن) مقرر نموده است: «تحصیلات تخصصی آموزش‌های ضمن خدمت دوره‌ای بازآموزی در جهت ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه‌ای ضروری کلیه کارکنان مرتبط با پرونده‌های نوجوانان به کار گرفته خواهد شد».

یکی دیگر از عواملی که به بزه‌دیده شدن کودک در فرآیند دادرسی پیشگیری می‌کند، رویکرد حداقلی به دادرسی (ترمیمی نمودن دادرسی کودکان و نوجوانان) است. مقررات پکن در بند یازدهم تحت عنوان قضا‌زدایی از رسیدگی بدون مراجع ذی صلاح سخن آورده است. رعایت اصل سرعت در دادرسی یکی دیگر از مؤثرترین طرق پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان است. مقررات پکن در ماده ۲۰ مقرر می‌دارد: هر پرونده از بدو امر در اسرع وقت و بدون هرگونه تاخیر غیر ضروری تحت رسیدگی قرار خواهد گرفت. بندهای ۲ و ۳ و ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک بر این اصل تأکید دارد که در مرحله تعقیب و تحقیق حداقل امکان از مصاحبه مستقیم پرهیز و از سیستم مدار بسته بهتر است استفاده شود.^{۱۹}

بند اول: رسیدگی

بعد از کشف و تحقیق و ارسال پرونده به دادگاه یا هیات‌های حل اختلاف امکان بزه‌دیدگی مجدد طفل وجود دارد. در اسناد بین‌المللی طبق ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک، تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات دادگاه‌ها و... انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد. بنابراین در حین برخورد طفل بزه‌دیده با نظام عدالت کیفری باید به رعایت تمامی حقوق ملزم گردید و شاید هرگونه نقضی در این زمینه موجب تکرار بزه‌دیدگی طفل شود. حقوق بزه‌دیده در این مرحله عبارت است از: توضیح تمام تشریفات و مراحل دادرسی به قربانی که به‌طور ساده برای طفل قابل فهم باشد. تامین محلی برای انتظار کودک در دادگاه که امن نیز باشد. عدم انتشار نام، آدرس، یا عکس کودک بزه‌دیده در مؤسسات خارج از سیستم کیفری بدون اجازه طفل و یا والدین او اداره دادگاه به طریق دوستانه و استفاده از ابزارهایی مانند سیستم‌های مدار بسته و ویدئو.^{۲۰}

در مرحله رسیدگی باید رفتاری توأم با احترام و بدون تبعیض داشت و نیازهای خاص و فوری کودک که براساس سن، جنسیت و میزان رشد جسمی و ذهنی تبیین می‌گردد مورد ملاحظه است. در ضمن رسیدگی باید از مواجهه کودک با متهم تا حد امکان جلوگیری به عمل آید.^{۲۱}

در خصوص رفتار احترام آمیز و بی‌طرفانه قاضی رسیدگی کننده باید گفت که اکثر قضات دیدگاه خشن نسبت به کودکان خیابانی که اکثر کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار را تشکیل می‌دهند، دارند و لذا این دیدگاه باعث افزایش کودک آزاری می‌شود. اولین گام در جهت پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی وجود قوانین حمایتی در مورد اطفال بزه‌دیده است که متأسفانه در کشور ما به فراموشی سپرده شده است که می‌تواند به تشکیل دستگاه قضائی خاص و دادگاه خاص در زمینه کودکان بزه‌دیده منجر شود. متأسفانه در کشور ما حتی پلیس کودک که ابتدایی‌ترین نهادها در فرآیند کیفری است پیش‌بینی نشده است.

^{۱۹}. دهقانی، علی، پیشین، ص ۳۲.

^{۲۰}. مصداقی، مهرانوش، حمایت کیفری از کودکان در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه واحد تهران مرکز، تهران، ۱۳۹۴، ص ۸۷.

^{۲۱}. دهقانی، علی، پیشین، ص ۳۷.

بند دوم: صدور حکم

مرحله صدور حکم مبتنی بر چند جنبه است. صدور حکم ابتدا باید با توجه به منافع کودک صورت گیرد. حضور مشاوران در دادگاه‌ها و بهره‌مندی از خدمات مددکاران اجتماعی در جهت اتخاذ تصمیمی عادلانه در جهت منافع کودک بزه‌دیده امری ضروری می‌باشد. صدور حکم در مرحله بعدی مستلزم تشدید مجازات مرتکب گردد و با استفاده از حمایت کیفری تشدید از اطفال بزه‌دیده که نوعی تشدید عینی است از اطفال بزه‌دیده حمایت به عمل آورد. یا اینکه در مرحله صدور حکم با استفاده از حمایت کیفری دنباله‌دار به حمایت از بزه‌دیده جامه عمل پوشاند. این‌گونه حمایت‌ها در قوانین داخلی ایران بدون پیشینه نیست. برای مثال ماده ۱۴ قانون اقدامات تامینی ۱۳۳۹ را می‌توان نام برد که بر پایه آن در مواردی چون تهدید به ارتکاب یک جرم دادگاه می‌تواند به درخواست شخص تهدید شده (بزه‌دیده) از تهدید کننده بخواهد که به بازپس‌گیری تهدید خویشتن تعهد کند و وجه ضمان بدهد.^{۲۲}

در نهایت در مرحله صدور حکم سازوکارهایی در جهت خسارت زدایی از کودک بزه‌دیده باید به عمل آید. اگر حکم تنها مبتنی بر تشدید مجازات مرتکب باشد ولی از کودک بزه‌دیده خسارت زدایی نگردد در راستای اهداف عالی پیشگیری نخواهد بود. لذا می‌توان به حمایت پزشکی برای جبران آسیب‌های بدنی و روانی اشاره کرد. حمایت‌های پزشکی اصلی ضروری است و در صورت عدم توجه خطرات جدی‌تری را به بزه‌دیده به همراه دارد. این درمان‌ها بویژه در خشونت‌های خانگی و در مواردی مانند کودک‌آزاری بسیار اهمیت دارد. این حمایت‌ها آسیب‌های روانی را نیز پوشش می‌دهد. متأسفانه در نظام عدالت کیفری ایران، چارچوب مشخصی و منسجمی برای حمایت، پزشکی از بزه‌دیدگان به چشم می‌خورد. حمایت‌های عاطفی و حیثیتی نیز می‌تواند در جهت خسارت زدایی از طفل بزه‌دیده اعمال شود. حمایت عاطفی در سیاست کیفری تقنینی و قضائی جایگاهی ندارد فقط در سطح کیفری تقنینی می‌توان یافت.^{۲۳}

نکته دیگری در مرحله صدور حکم می‌تواند به پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد کمک کند تشکیل پرونده شخصیت است و می‌تواند در نوع احکام صادره توسط قاضی مؤثر باشد. اصل بر عدم جدایی کودک از خانواده توسط حکم دادگاه است، اما در برخی موارد که مرتکب جرم یکی از والدین است بهترین حکم، حکمی است که به موجب آن کودک از خانواده جدا گردد.

گفتار سوم: سیاست کیفری اجرایی در قبال پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال

پیشگیری اجرایی از بزه‌دیدگی کودکان ناظر به نهادهای اجرای حکم دادگاه و همچنین نهادهای سازمان‌های خدماتی، درمانی حمایتی است که در حین اجرای حکم ممکن است کودک به آن نهادها مراجعه نماید. البته سیاست اجرایی در خصوص کودکان فقط ناظر به مرحله اجرای تصمیم دادگاه برای بزه‌دیده نمی‌باشد، بلکه در حین دادرسی نیز هرگونه ابزاری که برای شناخت چگونگی بزه‌دیده به کار می‌رود از این زمره است. برای مثال، هرگونه ارجاع کودک به کارشناس یا پزشک جهت تکمیل پرونده و رسیدگی عادلانه و صحیح و یا ارائه خدمات به کودک بزه‌دیده کاهش و یا ترمیم خسارت وارده حین دادرسی در حیطه حقوق کودک بزه‌دیده از نظر اجرایی قرار می‌گیرد. مقامات اجرای تصمیم دادگاه و یا مقامات اجرایی خدمات حمایتی در حین دادرسی باید وضعیت کودک را در نظر گرفته و با توجه به آسیب‌های والدین (مادی و معنوی)

^{۲۲}. همان.

^{۲۳}. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرایند کیفری، تهران، نشر خط سوم، ۱۳۸۱، ص ۷۰.

جهت ترمیم و یا اصلاح اقدام نمایند و لذا تدوین قوانینی که حقوق کودکان بزه‌دیده را در مرحله اجرایی مشخص نماید ضروری است. در مرحله اجرائی نهادهای زیر می‌توانند در پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد کودک نقش مهم ایفاء کنند.^{۲۴} سیاست کیفری شامل سیاست‌هایی است که در مرحله اجرای حکم در مراکز نگهداری کودکان و مؤسسات خدماتی و حمایتی اتخاذ می‌شود. کودکان ممکن است با مراکز پیراحقوقی از جمله پزشکی قانونی ارتباط پیدا کنند که برخورد این نهادها در پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان می‌تواند مؤثر واقع شوند.

بند اول: نهادهای نگهداری کودکان

علاوه بر نحوه برخورد پلیس و مقام و مرجع قضائی با کودک بزه‌دیده، نوع رفتار مقامات و مسئولین کودکی که به لحاظ خشونت وارده از سوی خانواده مجبور به ترک این نهاد بوده و به اجبار در مکان‌ها و نهادهای دیگری نگهداری می‌شود، باید با رفتار صحیح و منطقی مواجه گردد. چنین کودکی دچار تخریب شخصیتی بوده و به لحاظ اعمال روش‌های اصلاح و بازپروری است که وی را خارج از خانواده نگهداری می‌کنند تا طفل را علاوه بر سازگار سازی مجدد از احتمال بزه‌دیدگی دوباره از سوی خانواده دور کنند. حال اگر چنین رفتاری از سوی مقامات و مسئولین این نهادها و مؤسسات جایگزین اعمال گردد، تکرار بزه‌دیدگی کودکان، آن هم به شکل مخرب‌تری می‌تواند به وجود آید. متأسفانه در قوانین ایران به مسئله پیشگیری اجرایی توجهی نشده است و بهتر بود قانون‌گذار در راستای مشارکت نهادهای مدنی در سیاست کیفری مبارزه با کودک‌آزاری به انجمن‌ها و سازمان‌های غیر دولتی در زمینه حقوق کودکان نیز توجه میکرد و در کنار سازمان بهزیستی، وظایف و اختیاراتی را به مانند سایر کشورها برای آنها پیش‌بینی میکرد. مثل اختیار پیگیری و گزارش موارد کودک‌آزاری.^{۲۵} باید افزود که به دلیل کمبود مکانهای نگهداری و مراقبت از کودکان بزه‌دیده خصوصاً خیابانی و بی‌سرپرست شاهد افزایش بزه‌دیدگی کودکان هستیم و لذا جا دارد در جهت ایجاد پناهگاه برای کودکان بی‌سرپرست و تلاش در جهت افزایش خوابگاه‌های بهزیستی تلاش به عمل آید.

بند دوم: نهادها و مؤسسات خدماتی و حمایتی

نهادهایی که در خصوص حمایت از اطفال بزه‌دیده و از طریق ارائه خدمات فع‌الیت می‌کنند به عنوان مهم‌ترین نهادها جهت کاهش آسیب‌های وارده (مادی، معنوی، روانی و عاطفی) بر کودک بزه‌دیده مطرح هستند. بنابراین هرگونه سهل‌انگاری از سوی مسئولین این نهادها می‌تواند موجبات بزه‌دیدگی مجدد طفل را فراهم آورد. از جمله این نهادها می‌توان به مراکز ارائه خدمات پزشکی، روان‌پزشکی، مشاوره روان‌شناسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی اشاره کرد. به نظر می‌رسد که چنین موسساتی باید تحت نظارت قرار گیرند تا احتمال هرگونه تخطی در این زمینه کاهش یابد. در بسیاری از کشورها دادگستری از پزشک می‌خواهد به مراقبت از بزه‌دیده بپردازد. در این کشور پزشک‌های عمومی، مراکز اورژانس، سرویس‌های ویژه، پزشک حوادث و پزشکان امدادی در تسکین آلام بزه‌دیده نقش موثری دارند. در مورد حمایت‌های روانی باید گفت که معمولاً بعد از اتمام وقایع استرس‌زا، خطر ناامیدی، دلهره در بزه‌دیده پدیدار می‌شود که وجود نهادهای حمایت روانی نقش بسزایی دارد. در آمریکا و کانادا در مراکز پذیرش بزه‌دیدگان، روان‌شناسان به‌طور دائم به منظور پذیرش بزه‌دیدگانی که دچار تروماتیسیم

^{۲۴}. عباچی، مریم، پیشین، ص ۷۴.

^{۲۵}. زینالی، امیر حمزه، نوع آواری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه علمی و

پژوهشی، رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۸۲، ص ۷۸.

شده‌اند حضور داشته و روان درمانی می‌کنند. در مورد حمایت‌های اجتماعی در برخی کشور انجمن‌های متعددی وجود دارد که اکثر به ابتکار خود بزه‌دیدگان ایجاد شده‌اند.^{۲۶}

از جمله انجمن‌های بزه‌دیدگان که هدف اینها کمک رساندن به بزه‌دیدگان در جهت فائق آمدن بر فشارهای تروماتیکم که با آن مواجه شده‌اند می‌باشد. نهادهای خدماتی و حمایتی می‌توانند با ارائه اقدامات ذیل از بزه‌دیدگی مجدد طفل پیشگیری کنند:

(۱) ارزیابی و حمایت سایر کودکان خانواده در صورتی که کودک آزاری نسبت به یک کودک گزارش شده باشد.
(۲) بستری کودک آزار دیده در بیمارستان در صورتی که وضع جسمانی و روانی نامطلوبی دارد. چراکه این امر به شاغلین حرف بهداشتی فرصت می‌دهد خانواده را از جنبه‌های روان‌شناسی مورد بررسی قرار داده و روش‌های انجام وظایف و روابط با یکدیگر و استرس‌های جاری زندگی در آن خانواده را مورد تحقیق قرار دهند.

(۳) اقدامات قانونی در جهت جدا کردن کودک از محیطی که سلامت او را به خطر می‌اندازد در صورتی که والدین هیچ‌گونه همکاری جهت اصلاح رفتار خود نداشته باشند.

(۴) بررسی خانواده‌هایی که در آنها سوء رفتار با کودک رخ داده است از نظر ساختار، روابط، تعامل و وجود تعارضات با کودک و میان اعضای آن و برگزاری دوره‌های خانواده درمانی برای آنها به منظور ایجاد شفافیت نقش‌های و مرزهای بین افراد دو خانواده و کاهش تعارضات آنها.

(۵) برقراری سیستم گزارش دهی اجباری برای پزشکان، پرستاران، مددکاران اجتماعی، آموزگاران و کلیه کسانی که به نحوی با کودک سروکار دارند و ممکن است به موارد مشکوک به کودک آزاری برخورد نمایند.^{۲۷}

(۶) در برنامه‌ها پیشگیرانه در آمریکا سیستم گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه پیشگیری از کودک آزاری است و در واقع به نوعی مکمل را ایفاء می‌کند. چرا که در مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی و درمانی و موسسات دولتی زمانی می‌توانند مسئولیت خود را به خوبی ایفاء کنند که کودک آزاری به اینها اعلام شود و عدم گزارش، خسارت جبران ناپذیری به طفل وارد می‌آورد. در بسیاری از ایالت‌ها در آمریکا مانند شیکاگو توصیه شده در موارد مشکوک کودک آزاری که احتمال آسیب و آزار و صدمه به کودک فوراً به مراکز چون واحد کودکان منطقه، مراکز خدمات خانوادگی و یا پلیس محلی گزارش شود و در برخی ایالت‌ها شماره‌های مستقیمی جهت ارتباط با مراکز حمایتی اطفال در نظر گرفته شده است، تا اقدامات لازم جهت پیشگیری از کودک آزاری صورت گیرد. پس گزارش‌دهی برنامه عمده پیشگیری از کودک آزاری است.

(۷) آموزش و تشویق والدین جهت همدردی و عدم سرزنش کودک و همچنین حمایت و اعتماد به کودک، زمانی که مسأله سوءاستفاده جنسی توسط کودک گزارش می‌شود.

(۸) پیش‌بینی و طراحی برنامه‌های حمایتی و سازنده برای کودکانی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند به خصوص اگر این آزارها با زور اعمال شده باشد. درچنین موقعیت‌هایی، والدین باید تشویق شود تا کودک را حمایت کنند.

^{۲۶}. نگاهی مخلص آبادی، مرجان، کودک آزاری و پیشگیری از آن در سیاست جنائی ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰.

^{۲۷}. عطفوف، علی حسین، پیشگیری از کودک آزاری در ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع) واحد

برادران، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶.

۹) درمان روانشناختی کودکان آزار دیده با هدف برقراری ارتباط سازنده و همدلانه با کودک و تقویت اعتماد به نفس در آنها و ت لاش در جهت از بین بردن مشکلات روانی، عاطفی، رفتاری و... که در اثر آزارها در کودک شکل گرفته‌اند:

الف - نوجوانان آزار دیده در کسب هویت دچار مشکل می‌باشند که نیاز است درمان‌گران با توجه به این موضوع در جهت کمک به کسب هویت مشخص این نوجوانان اقدام کنند .

ب - نوجوانان آزار دیده احساس کنترل بر موقعیت خودشان را ندارند که به نظر می‌رسد نیاز است، درمان‌گران به نوجوانان آزار دیده در جلسات درمانی کمک کنند که احساس کنترل در آنها بوجود آید تا کارایی آنها افزایش یابد .

ج - نوجوانان آزار دیده احساس می‌کنند از حقوق خود محروم شده‌اند و نیاز دارند که درمان‌گر به آنها در کسب حق انتخاب و تصمیم‌گیری کمک کند .

د - از آنجا که محتوای خود مفعولی این نوجوانان آسیب دیده است درمان‌گران باید به علائم افسردگی، افکار خودکشی و فرار از خانه این نوجوانان توجه کنند و اقدامات لازم را به عمل آورند .

ه - این نوجوانان نیاز به درک و توجه دارند بنابراین درمانگر باید این نیاز نوجوانان را در نظر گیرد. اما هوشیار باشید که این احتمال وجود دارد که نوجوانان آزار دیده درمانگر را به جای والدین که نیازهای او را برآورده نکرده است جانشین ساخته و روند درمان را مشکل سازد .

گفتار چهارم: سیاست جنائی مشارکتی

سیاست جنائی مشارکتی، یعنی یک سیاست کیفری همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضائی پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشند.^{۲۸}

در کودک آزاری نقش نهادهای مدنی و جامعه‌ی در پیشگیری از کودک‌آزاری حائز اهمیت است. مشارکت مردم در پیشگیری از کودک آزاری در سطوح سیاست کیفری (تقنینی - قضائی و اجرائی) تصور پذیر است. یکی از نمونه‌های این مشارکت تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است. این قانون از جمله قوانینی است که نطفه اولین آن در «انجمن حمایت از حقوق کودکان» که یک نهاد مدنی است شکل گرفت. که خود این نهاد هم تحت تاثیر افکار عمومی و رسانه‌های گروهی در مورد کودک‌آزاری بوده‌اند. لذا مردم و جامعه مدنی می‌توانند با ارایه دیدگاه‌های خود به نمایندگان مجلس در تدوین و تصویب قوانین حمایتی از کودکان و نوجوان گام مؤثری بردارند . در سطح سیاست جنائی قضائی نیز جامعه مدنی (مردم) می‌توانند از رهگذر ابزارهایی چون رسانه‌های گروهی زمینه تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم کنند. زیرا حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه‌ها به منظور آگاه‌سازی مردم در پرتو علنی بودن دادرسی‌ها نه تنها به انجام دادرسی‌های منصفانه کمک می‌کند بلکه در نقد منصفانه و به دور از غرض‌ورزی دادگاه‌ها و تصمیم‌های قضایی نیز می‌تواند مؤثر باشد. مثلاً حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه‌های اطفال نمودی از سیاست کیفری قضایی مشارکتی است.^{۲۹}

یکی از مواردی که در این راستا در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان پیش‌بینی شده است ماده ۴۸ قانون می‌باشد، این ماده مقرر می‌دارد: «والدین اولیاء، سرپرستان قانونی و مددکاران اجتماعی و یا نمایندگان سازمان‌های مردم نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق کودکان و نوجوان می‌باشد. حق حضور در جلسات دادرسی و اعتراض به آراء و تصمیمات صادره را دارند این ماده جلوه‌ای از سیاست جنائی مشارکتی است و یا تشویق مردم به گزارش‌دهی جرائم علیه کودکان که در

^{۲۸}. لازرژ، کریستین، سیاست جنائی، ترجمه علی حسین نجفی‌ابرنادادی، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵.

^{۲۹}. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، پیشین، ص ۲۷۵.

کشف این جرایم نقش بسزائی دارد می‌تواند از موارد سیاست کیفری مشارکتی باشد که در قانون حمایت از کودکان و نوجوان بر آن تأکید شده است. در سطح سیاست کیفری اجرایی یا پلیس، دستگاه‌های اجرایی خاص مانند (سازمان بهزیستی کشور و یا واحد حمایت دادگستری) با دستگاه قضایی و نهادهای مربوطه همکاری دارند و به نوعی در جهت کشف جرائم علیه کودکان و پیگرد متهمان تلاش می‌کنند. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که جلب افکار عمومی از سوی نیروی انتظامی کارآیی این نهاد و کاهش هزینه‌های انسانی و مادی کشف و پیگرد جرایم اهمیت فراوانی دارد. در زمینه پیشگیری از کودک آزاری مشارکت و همکاری مردم در سطح سیاست کیفری مشارکتی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در مواد متعددی به سیاست کیفری مشارکتی اشاره شده است از جمله می‌توان به ماده ۴۵ اشاره کرد. در این ماده آمده است: «مددکاران اجتماعی بهزیستی تحت نظر مقام قضائی و در صورت لزوم با بهره‌گیری از خدمات سایر افراد و نهادهای مربوط بر نتایج اقدامات و دستورات صادره نظارت نموده و انجام صحیح و مناسب آنها را پیگیری می‌نمایند» یا در ماده ۴۴ این قانون آمده است که دادگاه پس از ختم رسیدگی می‌تواند یکی از دستورات زیر را صادر کند، از جمله حکم به نگهداری کودکان در خانه‌های امن یا واحدهای شبانه روزی، که این‌ها ممکن است از نهادهای مردمی باشند. همین‌طور در ماده ۶ قانون مذکور آمده است که سازمان بهزیستی کشور موظف است با همکاری و مشارکت سایر دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی و مردمی نسبت به شناسایی، جذب و تشخیص آسیب، نگهداری، توانمندسازی کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر، .. و ارزیابی اقدامات ناظر بر کودکان و نوجوانان بزه‌دیده اقدام نماید. آنچه جالب توجه است، مشارکت سایر دستگاه‌ها و نهادهای غیردولتی و مردمی در خصوص پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان می‌باشد.^{۳۰}

نتیجه‌گیری

کودک آزاری بخشی از آسیب به کودکان است که ممنوع بوده، تقریباً منع شده و قابل پیشگیری است و به دست انسان صورت می‌گیرد. دوران کودکی یکی از آسیب‌پذیرترین دوره‌های عمر انسان است که متأسفانه توجه چندانی به آن نشده است. پدیده کودک آزاری پدیده جدیدی نیست و سابقه و قدمت طولانی دارد. اذیت و آزار جسمانی کودکان، آزار روانی کودکان، کارکشیدن از کودکان بیش از حد توان آنان، غفلت از نیازهای جسمی و روانی کودکان از دیگر موارد شایع کودک آزاری است. بررسی سیر تاریخی تقنینی حمایت از بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران مؤید این مطلب است که قانون‌گذار در سال‌های اخیر کم و بیش مقرراتی را در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان وضع کرده لیکن واقعیت‌های اجتماعی موجود نشان می‌دهد که جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان، اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه و کنشی کوتاه مدت و بلند مدت در کنار قوانین حمایتی و تدابیر واکنشی ضروری است. به نظر می‌رسد که اولین گام در راستای کاهش بزه‌دیدگی کودکان مداخله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اما این به این معنا نیست که مداخلات کیفری نقش کمتری را ایفاء کند. قانون‌گذاران کیفری هر چقدر دایره سنی کودک را توسعه دهند، افراد آسیب‌پذیری بیشتری را مورد حمایت قرار می‌دهد. در خصوص قوانین ماهوی کم و بیش حمایت‌هایی از کودکان و نوجوانان صورت گرفته است. خصوصاً در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان سیاست جنائی ایران با الهام از آموزه‌های فقهی حمایت‌های ویژه و افتراقی را در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال اتخاذ کرده است. در قلمرو قوانین شکلی خلاءهای بسیاری وجود دارد. در حقوق ایران، در فرآیند عدالت کیفری هیچ‌گونه حمایتی در هیچ یک از مراحل دادرسی و کشف و تعقیب و تحقیق برای کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و شاهد جرم پیش‌بینی

^{۳۰} رایجیان اصلی، مهرداد، پیشین، ص ۲۱۱.

نشده است. لذا سیاست کیفی ایران هم در لایحه حمایت از کودکان و نوجوان با تدوین آئین دادرسی بزه‌دیده‌مدار، سازمان و تشکیلات و اصول حاکم بر دادرسی جنایی بزه‌دیده‌مدار، از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در فرایند کیفی حمایت کرده است. هر چند در این لایحه تأسیس دادگاه‌ها و دادرسی‌های تخصصی پیش‌بینی نشده است و فقط شعبی از دادسرا و دادگاه‌ها به جرایم علیه کودکان و نوجوانان اختصاص داده شده است، ولی در نوع خود اقدام مهمی در جهت حمایت از کودکان بزه‌دیده می‌باشد. از جمله نکات مهمی که در این لایحه مد نظر واضعان لایحه بوده است مشارکت نهادهای غیرقضائی مانند سازمان بهزیستی کشور، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و سایر نهادهای مردمی و غیردولتی در فرآیند کیفی کودکان بزه‌دیده می‌باشد. با ملاحظه سیاست جنائی ایران در خصوص پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال مبرهن است که سیاست جنایی ایران حمایت‌های کیفی را بیشتر مورد توجه قرار داده است و قوانین حمایتی نیز در راستای اسناد بین‌المللی نبوده و ناکافی به نظر می‌رسد. لذا اصلاح قوانین و سپس اتخاذ تدابیر پیشگیرانه حمایتی غیرکیفری درکنار قوانین کیفی از ضروری‌ترین ساز و کارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان به شمار می‌رود. در مرحله تدابیر پیشگیرانه غیر کیفی اتخاذ تدابیری در قالب پیشگیری اجتماعی و وضعی و همچنین اتخاذ تدابیر پیشگیری ثالث با هدف بازپروری روحی و روانی کودک کودکان بزه‌دیده، نقش بسزائی در پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان دارد.

منابع

- آخوندی، حمید، سیاست جنائی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بزه‌دیدگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ۱۳۷۵.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- بخشی‌پور، عباس، پیشگیری اولیه از کودک‌آزاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی تهران، ۱۳۸۱.
- بیگی، جمال، حمایت از بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲.
- حسینی، علیرضا، حضانت کودک، دامغان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، چاپ اول، ۱۳۸.
- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرایند کیفی، تهران، نشر خط سوم، ۱۳۸۱.
- زینالی، امیر حمزه، نوع آواری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه علمی و پژوهشی، رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۸۲.
- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- دهقانی، علی، حقوق کیفی شکلی کودکان و نوجوانان، ویژه نامه تعالی حقوق، شماره ۷، ۱۳۹۳.
- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، چاپ سوم، انتشارات طه، قزوین، ۱۳۹۱.
- عباچی، مریم، بررسی خلاءهای قانونی در زمینه پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان در حقوق ایران با توجه به اسناد سازمان ملل متحد، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۹۰.
- عطوف، علی حسین، پیشگیری از کودک‌آزاری در ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع) واحد برادران، تهران، ۱۳۸۶.
- قناد، فاطمه، حمایت کیفی از صغار در برابر جنسی در حقوق انگلیس و ولز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷.
- لازرز، کریستین، سیاست جنائی، ترجمه علی حسین نجفی‌ابرنادادی، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵.

مصداقی، مهرانوش، حمایت کیفی از کودکان در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه واحد تهران مرکز، تهران، ۱۳۹۴.

مؤذن زادگان، حسنعلی، دادرسی کیفی ویژه کودکان و نوجوانان، ندای صادق، سال نهم، ۱۳۹۳.
نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ از سیاست کیفی تا سیاست جنایی، دیپاچه درآمدی به سیاست جنایی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲.

نگهی مخلص آبادی، مرجان، کودک‌آزاری و پیشگیری از آن در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ۱۳۹۱.